

اوضاع حجاز پیش از ظهور اسلام

خداوند حکیم، حضرت محمد بن عبدالله (صلي الله عليه و آله و سلم) را - که خاتم پیامبران و پایان بخش سلسله رسولان الهی است...



خداوند حکیم، حضرت محمد بن عبدالله (صلي الله عليه و آله و سلم) را - که خاتم پیامبران و پایان بخش سلسله رسولان الهی است - در زمانی برگزید که جهل و بت پرستی، بیش تر گیتی - به ویژه جزیره العرب - را فرا گرفته بود. در این روزگار، ظلم و ستم زندگی طبقاتی و ستم به طبقات پایین جامعه و مالیات های سنگین و کمر شکن بر توده های ضعیف و فقر فرهنگی و زنده به گور کردن دختران نوزاد در عربستان و سپری کردن عمر به پیکارهای جاهلی و خونریزی های قومی و قبیله ای و برکنار ماندن از قسط و عدل، ابرهای تیره اش را همه جا گسترانیده بود و ملت هایی کاملاً گمراه پدید آمده بودند.

قرآن مجید در آیاتی چند، فضای آن روزگار و وضع ناهنجار آن جامعه را ترسیم و به این نکته گوشزد کرده است که منت گذاری خداوند در رابطه با بعثت پیامبر (صلي الله عليه و آله و سلم) بر اساس چه انگیزه هایی بوده است. او با برانگیختن پیامبر (صلي الله عليه و آله و سلم) بر جهانیان منت نهاد (منت یعنی نعمت بزرگ)؛ زیرا انسانی از جنس آدمیان با برنامه های علمی و حکمت آموز و انسان ساز و پاک و مهذب برانگیخت: لقد منّ الله علي المؤمنین إذ بعث فیهم رسولا من أنفسهم يتلوا عليهم آياته ویزکیهم وبعلمهم الكتاب و الحکمة وإن كانوا من قبل لفی ضلال مبین(1).

فرهنگ عرب جاهلی، چنین بود که هنگام نوید نوزاد دختر، پدر او از شدت خشم و ناراحتی صورتش سیاه می شد و با همین حالت از قوم و قبیله خود به جهت این بشارت بد، متواری و پنهان می شد. او با خود می اندیشید که آیا آن نوزاد دختر را با پذیرفتن ننگ و عار، زنده نگهدارد یا زنده به گورش پنهان کند؛ و إذا بشر أحدهم بالأنثی ظلّ وجهه مسوداً و هو کظیم * يتواری من القوم من سوء ما بشرّ به أیمسکه علي هون أم یدسه فی التراب ألا ساء ما یحکمون(2).

در آن عصر، جنگ و خونریزی و پیکارهای نامعقول و بی پایه، بیش تر اوقاتشان را به کام خود می کشید و دل هاشان از دشمنی و ستیزه جویی هم نوعان آکنده بود: ... و اذکروا نعمت الله علیکم إذ کنتم أعداء فألّف بین قلوبکم فأصبحتم بنعمته إخواناً وکنتم علي شفا حفرة من التّار فأنقذکم منها کذلک یبیین الله لکم آياته... (3)؛ و نعمت خدا را بر خود یاد کنید، آن گاه که دشمنان یکدیگر بودند. پس، میان دل های شما الفت انداخت تا به لطف او برادران هم شدید و بر کنار پرتگاه آتش بودید که شما را از آن رهانید؛ این گونه خداوند نشانه های خود را برای شما روشن می کند.

در آن روزگار، گاهی زنان شان برهنه و عریان بر گرد خانه خدا طواف می کردند و آنان نیز هنگام انجام مراسم کف می زدند و صوت می کشیدند و این کردار زشت را عبادت می شمردند؛ و ما کان صلاتهم عند البیت إلا مکاء و تصدیه... (4). تمدن آن روز عرب، چنان به انحطاط گراییده بود که جهان عرب را در شمار عقب افتاده ترین ملتها قرار داده بود. سلاطین و کشورگشایان رغبتی به تسخیر این ریگستان و قوم وحشی یا نیمه وحشی نداشتند و مقرون به صرفه نمی دیدند که یک بیابان خشک و بی آب و علف و شوره زاری را زیر سلطه و فرمان خویش آورند.

حضرت علی (علیه السلام) که نزدیک ترین و آشناترین انسان به فرهنگ بی سامان و تاریک آن زمان است، چهره زیبای فرهنگ اسلام و صفات درخشان پیامبر خاتم (صلي الله عليه و آله و سلم) و گوشه هایی از فضای سیاه و وحشتناک عرب جاهلی را این سان بازگو می فرماید:

خداوند - تعالی - در حالی حضرت محمد (صلي الله عليه و آله و سلم) را نذیر و ترساننده بر جهانیان و امین بر تنزیل خود قرار داد که شما ای گروه عرب، پیرو بدترین کیش ها بودید و در بدترین جایگاه به سر می بردید. در زمین های سنگلاخ و میان مارهایی پر از زهر - که از صدا نمی رمیدند و مانند این که کر بودند - اقامت داشتید و آب سیاه لجن را می آشامیدید و غذای خشن (مانند آرد جو پرسبوس و آرد هسته خرما و سوسمار) می خوردید و خون یکدیگر را می ریختید و از خویشاوندان دوری می گردیدید و بتها در میان شما نصب شده بود و از گناهان اجتناب نمی کردید: ... إنّ الله بعث محمداً (صلي الله عليه و آله و سلم) نذیراً للعالمین و أمیناً علي التنزیل و أنتم معشر العرب علي شرّ دین و فی شرّ دار منیخون بین حجاره خشن و حیّات صم... (5).

خداوند - تعالی - پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله و سلم) را در زمانی مبعوث فرمود که هیچ یک از پیامبران باقی نمانده بودند؛ هنگامی که دسته های گوناگون مردم در تاریکی جهالت و گمراهی طولانی به خواب رفته و فتنه ها در سرتاسر گیتی برپا شده و کارها در هم و بر هم، و آتش جنگ ها افروخته، و نور و روشنایی پنهان، و نادرستی های آن آشکار، و نشانه های هدایت و رستگاری محو و نابود، و پرچم های هلاکت و بدبختی آشکار شده بود و دنیا با منظره بدی به اهلیش می نگرست و ثمره اش فساد و تبه کاری، و طعمش گوشت مردار، و شعارش خوف و ترس، و رویه اش شمشیر بود: أرسله علي حين فتره من الرّسل و طول هجعه من الأمم و اعتزام من الفتن و انتشار من الأمور و تلظّ من الحروب، و الدّنيا کاسفة التّور، ظاهرة الغرور... (6).

1. سوره آل عمران، آیه 164.

2. سوره نحل، آیات 58 - 59.

3. سوره آل عمران، آیه 103.
 4. سوره انفال، آیه 35.
 5. نهج البلاغه، خطبه 26.
 6. نهج البلاغه، خطبه 89.
- وحي و نبوت، ص 382-385
سایت اسرا